

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
دوره جدید، شماره ۱۹ (پیاپی ۱۶) بهار ۸۵

**حکیم زلالی خوانساری\* (علمی - پژوهشی)**

دکتر احمد امیری خراسانی

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

حیدرعلی دهمرده

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

پیمبر عشق و دین عشق و خدا عشق

ز تحت الارض تا فوق السماء عشق

(محمود آبیاز ص ۴۵ بیت ۵۹۴)

**چکیده**

مولانا حکیم زلالی خوانساری از شاعران بنام اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است که در سرودن انواع شعر بویژه، قصیده، غزل و مثنوی مهارت و چیرگی خاصی داشت، بیشترین شهرت او به واسطه مثنویهایی است که تذکره نویسان از آنها با عنوان «هفت گنج» یاد می کنند. شاعر به وطنش - خوانسار - در اشعارش بوضوح پیداست؛ پیروی او از نظامی دلبستگی شاعر به مولای روم در سرودن شعر و نظم مثنویها مسلم است حتی گاه مضمونها و مفهومی را از آنها گرفته است، زلالی به دربار شاه عباس صفوی منسوب و از مریدان میر محمد باقر داماد است.

وی شاعری نوآور، خلاق و خوش قریحه است که در بیان اندیشه های خود، سبکی خاص دارد و در فرهنگ واژگانی او کلمات نادر و ترکیبات تازه و شگفت انگیز فراوان است. تصویرهای زیبا، تشبیه ها و مجازها در کلام او جایگاهی ویژه دارد. بیه سخنش زیبایی خاصی می بخشد.

مثنوی محمود و ایاز مهمترین و مفصل ترین مثنوی اوست که در آن نکات معنوی و عرفانی در قالب عشقی شگفت انگیز بازگو شده است.

**واژگان کلیدی:** زلالی خوانساری، مثنوی محمود و ایاز، سبعة سیاره.

#### مقدمه

«مولانا حکیم زلالی خوانساری از شاعران مشهور اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری است. که از تربیت شدگان حکیم و دانشمند مشهور - میر محمد باقر داماد - و از مذاحان وی و شاه عباس و وزیرش - میرزا حبیب ... صدر - است. سال مرگش را با اختلاف ۱۰۱۶ (سفینه خوشگو) و ۱۰۳۱ (شمع انجمن - خلاصه الافکار) و ۱۰۳۷ (ایضاح المکنون) و ۱۰۲۴ (تاریخ ادبیات براون) و ۱۰۲۵ (بلوشه در فهرست کتابخانه ملی) و اندکی پس از ۱۰۲۴ (ریو در فهرست خود) نوشته اند. تصور می رود نظر «چارلز ریو» و «بلوشه» که مرگ زلالی را پیرامون سال ۱۰۲۵ دانسته اند، درست تر از قولهای دیگر باشد، زیرا زلالی، مثنوی محمود و ایاز را در سال ۱۰۲۴ به پایان برده لیکن اجل مهلتش نداد و این کار بر دست دیگران انجام شد.»

(تاریخ ادبیات در ایران (صفحا)، ج ۵، صص ۶۷-۹۶۵)

زلالی از جمله شاعرانی است که به زادگاه خود علاقه ای فراوان داشته است و این موضوع در اشعار او بویژه در وصف خوانسار مشهود است.

شاعر در هر یک از مثنویهای خود وصفی متفاوت از زادگاه خویش و طبیعت آن دارد که به جای خود قابل تأمل است.



از حوادث زندگی زلالی اطلاع چندانی نمی توان به دست آورد و تذکره ها و دیگر مآخذ نیز بدین مسأله نپرداخته اند اما شعرش گواهی می دهد که زلالی شاعری قصیده پرداز، غزل سرا و مثنوی سرا بود. اما بیشترین شهرتش به واسطه مثنویهای اوست که تذکره نویسان از آن با عناوین «هفت گنج»، «سبعه زلالی»، «هفت آشوب» و «هفت سیاره» یاد کرده اند. زلالی این مجموعه هفت گانه را به شاه عباس صفوی تقدیم نموده است. خود او هم مجموعه هفت مثنوی خود را گاهی «سبعه سیاره» گاه «سبعه زلالی» و گاه «هفت آشوب» و گاه «هفت سیاره» می خواند. چنان که در مثنوی محمود وایاز گفته:

(۷۲ سفر کردم به زیر بار اشعار) (۷۳) فلک با سبعه سیاره سربار

(محمود وایاز، ص ۳۷، بیت ۴۸۷)

کلید هفت گنج داد در مشت (تذکره) به ایماي هلالی یک سرانگشت

(همان، ص ۳۹، بیت ۵۱۲)

در تذکره شمع انجمن زلالی چنین معرفی شده است:

«زلالی خوانساری طبعش از مثنوی طوفان می کند و نیستان کلکش در این بحر، لآلی

شاهوار می افکند سبعة سیاره او زمین سخن را ترصیع کاری آسمان بخشیده و صد بندان

خیال را در دایره حیرت کشیده» (تذکره شعرای خوانسار، ص ۶۷)

مولوی احمد علی احمد در تذکره هفت آسمان در باره زلالی خوانساری چنین می

گوید: «خیلی صفای شامه استعداد باید تا بویی از گلهای معانی زنگینش تواند شنید - و

فراوان دقت نظر شاید تا به شرفه ایوان انداز بلندش تواند رسید - کیفیت صهبای خیالش

بر صدر نشینان مصطبه هشیار مغزی خُم خُم باده شوق پیماید و سر جوش سبوی فکرش

گرم روان بادیه طلب را به شراب عشق و محبت رهبری نماید.» (تذکره هفت آسمان

ص ۱۴۱)

(تذکره هفت آسمان، ص ۱۴۱)

علینقی منزوی در فهرستی که برای کتابخانه مجلس شورای ملی ترتیب داده در باره وی می نویسد: « مثنوی های زلالی خوانساری بیانگر مقام علمی و اطلاعات حکمی اوست و بیخود نیست که در تذکره ها از او به عنوان حکیم یاد کرده اند. آقای منزوی در فهرست کتابخانه مجلس، او را به نام محمد حسن زلالی یاد کرده و استاد او به شعری است که در صفحه ۳۱۴ نسخه خطی محمود و ایازدر کتابخانه مجلس است می باشد.

مرا نامی که اکسیر سخن شد محمد اول و آخر حسن شد (تذکره شعرای خوانسار، ص ۶۷)

#### بحث

#### ۱- شخصیت و منش شاعر

با اینکه زلالی شاعر دربار صفوی بوده است، اما در این هفت مثنوی هیچ جا نشانه ای از طمع و درخواست دیده نمی شود و در خلال اشعارش تقاضایی از کسی نداشته است. « موضوع دیگر اینکه در اشعار خود مسائلی را که به عفت عمومی جامعه گزندی رساند با استعاره و کنایات دقیق و زیبا بیان می کند و به اصطلاح عفت قلم را حفظ می نماید. او به پیروی از استادش فردوسی و نظامی این گونه مسائل را در حجابی از الفاظ می پوشاند و با دقت و ظرافتی که مخصوص سبک هندی است به تصویر می کشد.

زلالی بسیار متدین و مقید به شرع است. دلبستگی و احترام او به پیشوایان دین به ویژه حضرت رسول (ص) و شاه ولایت دو عالم، از ستایش هایی که در آغاز داستان آمده کاملاً بیانگر این ادعاست. » (زندگی شاه عباس اول، فلسفی، ج ۲، ص ۶۲۸)

با آن که در دوران شاه عباس نوشیدن شراب و استعمال مخدرات رواج داشت و شاعران آزادانه درسروده های خود این مسایل را مطرح می کردند، اینگونه معانی و مضامین در شعر زلالی مطرح نشده است.

(همان، ص ۶۵۲-۶۵۳)



نزدیکی او به میر محمد باقر داماد می تواند دلیل اعتقاد او باشد. تذکره نویسان او را به غایت «درویش طبیعت»، «خوش فهم»، «نیکو منظر» و «خوش مخبر» دانسته اند.  
(عرفات العاشقین، اوحدی بلیانی، ص ۵۲۱)

## ۲- ویژگیهای شاعری

تذکره نویسان درباره شعرزالالی دیدگاههای گوناگون داشته اند، تقی اوحدی عقیده دارد: «معانی بامزه و اشعار خوب دارد. اگر چه در اقسام سخن کامل قدرت است، اما در مثنوی به عنایت فطرتش درست تر می رود و بیتهای بلند و نکته های عالی دارد.»

(عرفات العاشقین، اوحدی بلیانی، ص ۳۱۴)

مؤلف تذکره نصرآبادی می نویسد: «رطب و یابس در کلامش بسیار است، اما ابیات بلندش از قبیل اعجاز است.» (تذکره نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، ص ۲۳۰)

مؤلف تذکره نتایج الافکار، او را شاعری عالی مقام، پخته گوی و خوش کلام می خواند «نتایج الافکار، گوتابوی» اما برخی نیز معتقد به نازک اندیشی او شده، گفته اند: «زالالی افکارش اکثر درد آمیز است، اما آنچه صاف افتاده، کوثر را در خوی خجالت نشانیده»

(ریاض الشعر «واله داغستانی» ج ۲، ص ۳۸۴)

مؤلف تذکره هفت اقلیم می نویسد: «آب سخنش، خاک کدورت خاطره ها فرو نشانده و آتش فکرش، باد را در تکاپوی غیرت افکند.»

(هفت اقلیم، امین احمد رازی، ص ۱۰۵۹)

امین احمد رازی، در هفت اقلیم، مطلقاً متعرض ضعفهای او در شاعری نشده، تنها به زیبایی کلام او که واقعاً گاه به حد سحر می رسد، توجه داشته است.

(تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ص ۹۶۶)

اسکندریبگ ترکمان - مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی - معاصر شاه عباس، در این مورد چنین می گوید:

«به اشعار فارسی دانا بودند، شعر را بسیار خوب می فهمند و تصرفات می نمایند و گاهی به نظم اشعار نیز زبان می گشایند.» (تاریخ عالم آرای عباسی، ص ۴۳۷)

طبعش در ساختن مثنوی قدرت بسیاری داشته و هفت مثنوی به نامهای «محمود و ایاز»، «آذر و سمندر»، «شعله و دیدار»، «میخانه»، «ذره و خورشید»، «سلیمان نامه» و حسن گلوسوز از اوست قصاید زیادی نیز گفته ولی قبل از آنکه دیوانش را مرتب کند در سنه ۱۰۳۱ دست قضا طومار عمرش را در نوردید و شیخ عبدالحسین کمره ای دیوانش را جمع آوری کرده طغرای مشهدی دیناچه ای بر آن نوشت. (گلزار جاویدان، محمود هدایت، ص ۵۷۶)

زلالی طبیعتاً شاعر است و به شیوه ای طبیعی هم شعر گفته است. در این زمینه چنان تبصری دارد که گاه اشعاری که فی البداهه می گوید از چنان معانی بلندی برخوردار است که الهامهای غیبی را به ذهن می آورد. نظیر:

در آن مجلس که از دم نور می زد دم پهلو به کوه طور می زد

(محمود و ایاز، ص ۵۳، ب ۶۹۰)

او دوستدار خاندان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می باشد به گونه ای که چهارده قصیده در ستایش چهارده معصوم سروده است. از اوست در منقبت امام علی بن موسی الرضا (ع) ای روان خاک طوس اشک روان آورده ام

از یمن سوی بدخشان کاروان آورده ام

از بدخشی پاره دل وز لالی در اشک

قاف تا قاف جهان دریا و کان آورده ام

از خرابیات عدم تا هستی آباد وجود

راه سوی روضه ات از بوی جان آورده ام

تا بدوزم خویش را چون نقش جان بر پرده ات

سوزن از مژگان و از تن ریسمان آورده ام



تا بگیریم تنگ در آغوش تنگی مرقدت

۲۴- ذره و خورشید که تشبیه است در بیان سینه ی از چرخ و نعل از کهکشان آورده ام

( تذکره شعرای خوانسار، ص ۶۷ )

۳- آثار زلالی

چنانکه گذشت، تذکره نویسان، زلالی را به مثنوی سرایی شناخته و شناسانیده اند. او

هفت مثنوی به نامهای «آذر و سمندر»، «حسن گلو سوز»، «ذره و خورشید»، «سلیمان نامه»، «شعله

دیدار»، «میخانه» و «محمود و ایاز» دارد و بر اساس اطلاعات تذکره ها، همه این مثنویها را

همزمان سروده است. او در تنظیم این مجموعه از هفت مثنوی در حقیقت خواسته است

از شاعرانی چون نظامی، مولوی، امیر خسرو دهلوی، امیر علی شیر نوایی و عبدالرحمن جامی،

پیروی کند.

تقی الدین اوشحاشی می گوید:

«بنده همیشه به وی می گفتم که اول متوجه یک کتاب شو، آن را چون به اتمام رسانی،

دیگری را سر کن تا کره جنون زین طبیعت توستی از دست گذشته، سخره عنان اراده تو

گردد و چون همت عالی بود خواست، هر پنج کتاب را یک نوبت تمام کند.»

(عرفات العاشقین، اوحدی بلیانی، ص ۴۷۵)

از نکات قابل توجه درباره مثنویهای زلالی یکی این است که مؤلف هفت اقلیم

، امین احمد رازی، مثنویهای زلالی را در تذکره خود به قطران تبریزی نسبت داده است.

و صاحب عرفات می نویسد: «در بدایت حال شخصی، به سبب عدوات چند از مثنوی او

به اسم قطران نوشته، بنابراین این مثنوی به اسم قطران شهرت یافته و باعث ازدیاد آزار او

شده، قطران، مثنوی نگفته، از طرز متقدمین تا متأخرین تفاوت بشمار است و بنده، بل اکثر

شده، قطران، مثنوی نگفته، از طرز متقدمین تا متأخرین تفاوت بشمار است و بنده، بل اکثر

شده، قطران، مثنوی نگفته، از طرز متقدمین تا متأخرین تفاوت بشمار است و بنده، بل اکثر

شده، قطران، مثنوی نگفته، از طرز متقدمین تا متأخرین تفاوت بشمار است و بنده، بل اکثر

معاصرین شاهدیم که این شعر از اوست چه وی را در صفاهان و غیره بسیار دیده و صحبت داشته و اشعار وی را فرد فرد شنیده و سنجیده ایم.»

(عرفات العاشقین، اوحدی بلیانی، ص ۳۸۶)

اما هفت اقلیم در زیر عنوان حکیم الاجل قطران بین منصور الاجلی می نویسد: او را چند مثنوی است که هر یک عنوان نامه فصاحت و برهان، دفتر بلاغت توانند بود. چنانکه از این ابیات که قطره ای از آن سحاب است. مفهوم و مستفاد می گردد. و اشعاری از مثنوی زلالی آورده است و عجیب تر اینکه در این بیت به جای زلالی قطران آورده است. چونکه قطران میل را درهم شکست بت شکست و خود به جای بت نشست که صورت درست بیت این است:

چون زلالی خویش را درهم شکست بت شکست و خود به جای بت نشست

(تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، صفا، ص ۹۶۹)

و اما شرح سبعة زلالی به نحوی که در مقدمه طغرا آمده است:

۱-۳- حسن گلو ساز و آن منظومه ایست عرفانی در برابر مخزن الاسرار نظامی حدود ۴۵۰ بیت با مقدمه ای از شاعر که به نام شاه عباس ساخته شده و با بیت زیر آغاز می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم ااره کش تارک دیو رجیم

۲-۳- شعله دیدار در عرفان و بروزن مثنوی شریف مولانا در دو بیت و اند بیت که با بیت

زیر شروع می شود:

این سخن چون نور چشم خامه شد شعله دیدار نام نامه شد

اگر چه مرحوم صفا عدد ابیات این مثنوی را دو بیت و اند ذکر کرده اما در نسخه خطی

که از دیوان زلالی خوانساری به شماره عمومی ۴۶۶۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی

وجود دارد؛ مشخص است که این مثنوی شامل ۵۰ شعله، ۲۸ تمثیل و ۴۴ بیت می

باشد.



۳-۳- میخانه در عرفان و بر وزن حدیقه سنایی در سبصده و شصت و اند بیت.

۳-۴- ذره و خورشید که تمثیلی است در بیان عشق میان ذره و خورشید که بر وزن سبصده

الابرار جامی نظم یافته است که با بیت زیر شروع شده است:

سخنم کرد به نامش جاوید ذره را جوهر تیغ خورشید

۳-۵- «آذرو سمندر» یا گل و بلبل بر وزن لیلی و مجنون در بیان عشق آذر و سمندر.

۳-۶- سلیمان نامه یا سلیمان و بلقیس بر وزن اسکندر نامه نظامی در ۵۸۹ بیت. که با بیت

زیر آغاز یافته است.

به نام جهانگیر دل‌های تنگ که آمد سلیمانش یک مور لنگ

۳-۷- محمود و ایاز، مفصل‌ترین و عالی‌ترین منظومه از مثنویهای زلالی خوانساری است

و موضوع آن، بیان عشق سلطان محمود غزنوی به غلام محبوبش ایاز در نظیره گویی بر

وزن خسرو و شیرین نظامی در ۷۰۰ بیت است. (تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح... صفا،

ص ۹۷۰-۹۶۹) زلالی در سرودن این مثنوی از نظامی الهام گرفته و در آغاز کتاب،

داستان خواب دیدن نظامی را به نظم درآورد و درجایی نیز در تفاخر به خود چنین

گوید:

چنین در حق من اهل تناسخ سؤال شرع را گویند پاسخ

که چون جسم نظامی گشت خالی نظامی رفت و باز آمد زلالی

۴- خصوصیات شعری

ذبیح... صفامی نویسد: «زلالی خوانساری شاعری نوآور بود و روشی به تمام معنی

مخصوص در نحوه بیان افکارش داشت و از این راه ترکیه‌هایی تازه به وجود

می‌آورد که گاه نامفهوم و نیازمند تفسیر و توجیه است. مثل: «غنچه خواه دشت» یعنی

کسی که در دشت به دنبال غنچه می‌گشت. «مرغ روز پنهان» یعنی مرغی که به هنگام

بسم الله الرحمن الرحیم نص صبح است و کلام حکیم «مشق روزانه»

روز بیرون نمی آید و پنهان است. «دماغ دل به فکر خام سوز» یعنی کسی که اندیشه ناصواب کند. (تاریخ ادبیات در ایران (صفا)، ج ۵، ص ۹۷۱)

با دقت در اشعار زلالی می توان زیباییهای شعرش را دریافت. نیز باید در نظر داشت که شاعر در دوره ای زندگی می کرد که طرز هندی (اصفهان) رایج بود و شاعران برای یافتن مضمون و خیالات نازک و دقیق و اشعار دور از ذهن بر یکدیگر پیشی می جستند. همه مسائل باعث شده است که بعضی از ابیات شاعر در نظر اول معنی ماحصلی نداشته باشد. در بعضی از مثنویها، به علت سنگینی معنی شاعر در ابیات متوالی مجبور می شود از اختیارات شاعری استفاده کند مثلاً در مثنوی «آذر و سمندر» که در وزن مفعول مفاعله فاعولن سروده شده است؛ وزن بسیاری از ابیات به مفعول فاعلات فاعولن تبدیل شده است.

چندین شورش که در جهان است یک گردش چشم در میان است  
گفتم نامت جواب جان داد گفتم که دلت غمی نشان داد  
(دیوان زلالی، ص ۱۵۵)

زلالی شاعریست خلاق، دارای ذهنی و قاد و قریحه ای خوش و در بیان افکار و اندیشه های خود اسلوب و روش خاص دارد. به گونه ای که در مثنویهای او بویژه «محمود و ایاز» به ترکیبهای بر می خوریم که علاوه بر جنبه های ابتکاری، جذاب و زیبا هم هست. به طوری که نظیر آنها را در دیگر آثار کمتر می توان دید. از آن جمله است: «شهیدان سخن، حسن گلو سوز، صحرای جگر، مغز معنی، مرغ روز پنهان و خون سخن».

از دیگر اختصاصات شعر زلالی ترکیبات جدیدی است که به کار می برد و بسیاری از صور خیال شعرش را به وسیله همین ترکیبها می سازد. در اینجا به بعضی از ترکیبات او اشاره می کنیم: «گل آزمون، خون سخن، قیامت به بالای کسی بریدن، قدح خانه، جنون آباد و هندوی بنفشه».



چو جامش گل آزمون گشته است / دماغ فلک سرنگون گشته است  
دهانم چو خورشید شد تیغ زن / جهان را گرفته است خون سخن  
(دیوان زلالی، ص ۲۶۵)

زلالی مانند دیگر شاعران هم مکتب خود از امثال و حکم رایج در زبان مردم استفاده بسیار می کند و آن را نمک شعرش قرار می دهد. این ویژگی از آنجاست که در دوران حکومت صفویه به علت عدم توجه دربار، شاعران به مردم روی آورده، سعی می کردند به زبان مردم سخن بگویند و همین امر باعث مایه وری شعر از فرهنگ عامه گردید. زلالی هم که در چنین فضایی تنفس می کند؛ تعابیری اینچنین در شعر آورده است:

چو شد عمرت مرو از پی که چون رفت / که نتوان پیش راه سیل خون رفت  
(محمود وایاز، ص ۲۳۸، بیت ۳۱۸۹)

مشو غافل از این عمر گریزان / دمی بی صحبت گرم عزیزان  
(همان، ص ۲۳۸، بیت ۳۱۹۱)

با مطالعه شعر زلالی و مقایسه آن با غزلها و مثنویهایی که اخیراً سروده شده، می توان او را موجد این نوع شعر که از فرهنگ عامیانه بهره گرفته است (شعر عامیانه) دانست. مثلاً:

می توان فهمید اگر سبز است بخت / باد را معنی ز تسیح درخت  
آب را در تیرگی و روشنی / ناله گویی معنی تر دامنی  
(دیوان زلالی، شعله دیدار، ص ۱۲۱)

که هم ابتکاری وهم نو است.

« او در بهم رسانیدن مصراع بسم الله الرحمن الرحیم طبع آزماییها کرده، چنانکه در دیباچهٔ مثنوی سبعة سیاره گوید چار مصراع بسم... فرقانی چنین پرداختم:

بسم الله الرحمن الرحیم / نصّ صحیح است و کلام حکیم

بسم الله الرحمن الرحيم پنجه اعجاز و عصای کلیم

بسم الله الرحمن الرحيم سروسیه پوش ریاض نعیم

بسم الله الرحمن الرحيم ابروی خوش و سمه حسن قدیم

( تذکره هفت آسمان ، ص ۱۴۲ )

### ۵- مثنوی محمود و ایاز

مثنوی «محمود و ایاز» مفصل ترین مثنوی از مثنویهای هفت گانه اوست . موضوع آن داستان عشق سلطان محمود غزنوی به غلام محبوبش ایاز می باشد که زلالی آن را در اقتضای خسرو و شیرین نظامی به نام شاه عباس صفوی سروده است که با بیت زیر آغاز می شود:

به نام آنکه محمودش ایاز است غمش بتخانه ناز و نیاز است

این منظومه را نظامی به سال ۱۰۰۱ آغاز کرده و به سال ۱۰۲۴ به پایان رسانیده است. بنابراین قسمت بزرگی از دوران شاعری خود را صرف آن کرده است و بعید نیست که این مثنوی، نخستین منظومه از سبعة زلالی باشد که در طول زمان نظم مثنویهای دیگر را به همراه خود دانسته است. مثنوی محمود و ایاز یک بار در لنکوه (۱۲۹۰ ه.ق) و بار دیگر در تهران (۱۳۲۰ ه.ق) چاپ شده است.

نسخه هایی که در حال حاضر از این مثنوی در دست می باشد عبارتند از:

الف- دانشگاه تهران - به سال ۱۰۵۲

ب- دانشسرای عالی - به سال ۱۰۷۶

ج- مجلس - به سال ۱۰۸۰

د- سلطنتی بدون تاریخ



### ۱-۵- جستاری در ترفندهای بدیعی مثنوی محمود و ایاز

صور خیال اعم از تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه در کلام او جایگاه ویژه ای دارد و شعرش را به اوج زیبایی می‌رساند. این صورتهای دردریای مواجی از تخیلهای دور و دراز و ایهامهای دور پرواز شناور است و گاه چنان مطبوع و دلپسند می‌افتد که کمتر سابقه دارد، مانند:

چو چشم از ناتوانی باز می‌کرد / نگاهش تکیه‌ها بر ناز می‌کرد

(محمود و ایاز، ص ۳۹، ب ۴۷۱)

ز جستن جستن او سایه در دست / چو زاغ آشیان گم کرده می‌گشت

(همان، ص ۲۷، ب ۳۵۶)

ز بس لبریز مهرت شد درونم / نمی‌گنجد بخونم رنگ خونم

(همان، ص ۹، ب ۱۱۰)

این شکلهای خیال انگیز چنان با دقت و ظرافت به کار رفته است که خواننده را مجذوب می‌کند.

ترفندهای بدیعی و زیباییهای شعری نیز در سخن زلالی، زیباوشگفت انگیز است و به کمک این ترفندها توانسته است با مهارت و هنرمندی تمام، زبان را به شعر و ادب مبدل سازد.

هر چند که وصف تمامی زیباییها از حوصله بحث در این مقاله خارج است، اما به عنوان نمونه برخی از مایه های زینت کلام او را بر می‌شماریم:

#### تلمیح

همه ذرات در شورند از عشق / همه افراد منصورند از عشق

(همان، ص ۴۵، ب ۵۹۸)

که تلمیح و اشاره ایست به داستان منصور-حلاج و مصراع اول بیانگر این است که عشق خاص انسان نیست بلکه تمامی ذرات عالم می‌توانند عاشق شوند.

به عمری عنکبوتی رنج می برد ... از چشمه خورشیدی می خورد ...  
که تا در پرده حفظش کشد تار ... نماید بکر محجوبی در غار ...  
(همان، ص ۲۴، آیات ۳۰۹ و ۳۱۰)  
که تلمیح دارد به داستان پیامبر (ص) و ابوبکر که خداوند برای حفظ جانشان از خطر این  
دشمنان، عنکبوتی را مأمور می کند تا بر در غار ثور تنیدن گیرد تا بدین وسیله دوستانش  
را حفظ نماید. ...  
براق برق تک را زین نهادند ... زبانش عقده پروین گشادند ...  
(همان، ص ۲۷، ب ۳۵۵)  
اشاره به داستان شب معراج نبی اکرم اسلام (ص) دارد.

علی شد شیر و در گهواره زد جوش ... خدایش دابه گشت و کعبه آغوش ...  
(همان، ص ۳۰، ب ۴۰۰)  
که اشاره به داستان مولا علی - مولود کعبه - دارد. ...  
در آن مجلس که از دم نور می زد ... دم پهلو به کوه طور می زد ...  
(همان، ص ۵۳، بیت ۶۹۰)  
تلمیح و اشاره ای به داستان تجلی نور حق بر کوه طور می باشد (فلما تجلی ربه للجبل ...  
جعله دکا و خر موسی صعقا) و متلاشی شدن کوه و بیهوش شدن موسی (ع) به واسطه این  
تجلی. ... (اعراف/ ۱۴۳)

**استعاره کنایی (تشخیص)**

به قیدت چون شتابد حکم تقدیر ... مرنجان در رهایی کام تدبیر ...  
(همان، ص ۷۷، بیت ۱۰۰۴)



نوعی استعاره کنایی در کام تدبیر وجود دارد که در واقع می توان به آن «تشخیص» گفت. زیرا اندیشه و تدبیر کام ندارد و کام از علائم انسان است. همچنین میان واژه های «تقدیر و تدبیر» جناس وجود دارد.

که چون محمود از دوری آن ماه شد از دامان صبرش دست کوتاه  
(همان، ص ۶۶، بیت ۷۶۷)

دامان صبر: استعاره کنایی - تشخیص  
چو ماری حلقه بر تنگ دهن زد شکر دانیش بر جان سخن زد  
(همان، ص ۱۲۴، بیت ۱۶۴۴)

جان سخن: استعاره کنایی، تشخیص  
به باغی طرح بزم افکند محمود که جنت گل فروش گلشنش بود  
(همان، ص ۹۶، بیت ۱۲۵۲)

زیبایی این بیت تشبیه مضمر و هم چنین تفضیل است شاعر ابتدا به طرز پنهان باغ بزم محمود را به جنت همانند کرده، و سپس آن را بر جنت ترجیح داده و جنت را گل فروشی فرض کرده است.

**- جناس و مراعات النظیر**  
ز بی در تاخت دارای جهانگیر چو رعد بانگ شیر و برق شمشیر  
(همان، ص ۶۸، بیت ۸۸۶)

زیباییهای شعر بالا، جناس زائد و مراعات النظیر است. میان واژه های شیر و شمشیر جناس زائد و میان واژه های رعد، برق، بانگ و شیر مراعات النظیر وجود دارد.  
بیمبر عشق و دین عشق و خدا عشق و ز تحت الارض تا فوق السماء عشق  
(همان، ص ۴۵، بیت ۵۹۴)

میان واژه های پیمبر، دین، خدا و عشق مراعات النظر وجود دارد. و بین واژه های تحت، فوق، ارض و سماء تضاد حکم می کند.

## ۲-۵- ترکیبات

ترکیبات زیبا و منحصر به فرد زلالی چون ستاره ای درخشان بر تارک آسمان مثنوی محمود و ایاز می درخشد به گونه ای که بسیاری از صورتها و شکلهای خیال شعرش را بر مبنای همین ترکیبات بنا نموده است و این ترکیبات را می توان از مایه ها و شگردهای شعرش دانست. نمونه هایی از ترکیبات زلالی در مثنوی محمود و ایاز که می تواند ما را در شناخت بیشتر زلالی و دایره تفکرات او کمک نماید عبارت است از:

آتش ربودن - آتش طرازدن - آدمی باف - آستین باددستی - آشنا رنگ - آغوش علم - آفتاب تیغ زن - آه بر آه پیچیدن - آه بسته - آه قلم - آینه آباد - ابر خشک - ابر پیشانی - ابرو به ابرو بستن - ابرش روح - از دوش آب خوردن - از داغ خرقه پوشیدن - از صبح کفن دادن - ادب را ادب کردن - اشک پاشیدن خورشید - اشک اشک را دوا شدن - امید پیچ در پیچ - انتخاب دیرساله - باد دامان - بانیش زنبور پل بستن - بتخانه ناز و نیاز - بت از بت تراشیدن - بخیه دیده گسستن - برات ناله - بدخشان جگر - بسملگه لاله - بلند آینه - بوسه مدهوش بردن - بوسه شمع - بوسه خار - بوی آه - بوسه چشم - بی نمک بودن ملاحظت - بی جگر - بیع رحمت - پیشه بنت الاسد - بیضه بلبل - بینی زنبق - پای خیال - پای انداز عبادت - پر خنده بی درد - پریشان ساختن خنده - پرتو درد - پنجه آتش - پیغمبر شعر - پیش از مرگ مردن - تبسم ریزه - تحمل رسوا شدن - تخم داغکاری - ترازوی قدم - تماشا خصم - تنور لاله - تنهایی از پری وام گرفتن - ته دل بر زبان بودن - ته فکر - ته زخم - ته ادراک - ته لذت - ته خنده - تیغ بدان کرشمه - تیشه در خارا شکستن - تیزی بر سوزن نشستن - تیغ بدان غم اندیش - تیغ بیغمی - حال شکسته بسته - حجله رحمت -



حدوث نقشبندی - حسن ابرو - حسد بر آستین داشتن - حصار ناله - حلقه آه -  
 حلاوت گیر خنده - حیا در خاک افتادن - حیات آباد عیسی - جام اعجاز - جام دعا  
 تهی شدن - جبین ناله - جسم بسمل - جسم به غربال بیختن - جگر بر دم تیغ زدن -  
 جلوه شب‌دیز - چاشنی گیر - چاک قفس - چاره ناچار - چراغ روز میر - چشم شمع -  
 چشم شیشه - خار بند رخنه - خرد بی برگ کردن - خراش ناله - خراب عشوه -  
 خراش آباد - خرقه خم - خرقه گل - خدنگ ناله - خدنگ آشنا - خضر سم‌نزار -  
 خلوت رنگین - خنجر کاری دل - خنده آلود - خنده خونین - خنده دراندن - خواب  
 خونریز خواب گلریز - خوش مبینان - خوبان بلا - خون دود دل - خون آلوده راز -  
 خیال از خیال تراشیدن - خیال کوچه گرد - داغ بی نمک - دانه نور - دامان آه - درد  
 بی دردی - درمان گیر درد - در تاراج خویش بودن - درس ناله - درس فریاد - درد  
 مزد - درس بی زبانی - دست دلشکن - دعا بر اثر نشانندن - دل اشک - دل دلبز فروش  
 - دل در مشت داشتن - دل شبخیز - دماغ عشوه - دود بر کباب رقصیدن - دهان در  
 مشت پیچیدن - دیباچه سرشت - راه گلگشت - راه خندیدن - رحمت فروختن -  
 رقص آه - رگ پروانه - رگ ابر - رنگ شکسته - رنگ شرم - روز بازار نظر - روح  
 نخجیر - ریگ انجم - زبور ناله - زخم بر نمک زدن - زخم رشک - زهر گوارا -  
 سپاه شعله - سپند شیون - ستم در حق آتش کردن - سخن بر شعله نوشتن - سطرلاب  
 کماهی - سرد رویی - سدره بوسی - سماع بام - سواد ابجد - سوهان زبان - سوار  
 خنده بودن - سوز گلو سوز - سهیل لیلۃ القدر - شاخ شعله - شادی مرگ کردن - شاه  
 بیت موج خون - شاه بیت شهرت - شعله شستن - شعله مجنون - شعله عرفان - شعله  
 ناز - شفق چکیدن - شکم انداختن - شکست آستین - شمشیر نسیم - شمعستان نوبت  
 - شمع کفن پوش - شمع راست رشته - شورش می - شهاب کشته - شهیدان سخن -  
 شهید عشق - شهباز نیاز - شیر صبح - شیشه پرواز - شیرازه ناز - صحرای جگر -

صحرا گرد لیلی دوست - صدهای بوسه - صلاهی چشم بندی - طاقهای سجده - طفل  
 اشک - طلسم درد - طلاق آلوده - طلسم فتنه - عروس شمع - عروس شونیده -  
 عشق آرزوناک - عشق عریان - عشق عشق - عنکبوت شعراف - عنان دارهوا - عود  
 حکمت - عیش غم اندوز - غبار جلوه - غزالان غزل - غم دمیدن - غم بی عشق - غم  
 رنگین - غم خون - غنچه هوش - غنچه گل کرده - غوطه گاه نیش - غوره زار -  
 غوطه مستی - فریاد از ناخن برخاستن - ریب توبه - فکر خام سوز - قانون ناله - قبول  
 هضم - قربانگاه ناز - قطره گیر - قیامت پاکشیدن - قیامت را پس زانو نشانندن - کارگاه  
 آفتاب - کام چراغ - کبک راهزن - کشت زار دزد گشته - کلاه درهوا رقصیدن -  
 کلک غلط کار - کلاه از سر حباب انداختن - کمند پروازدادن - کپکشان در آغوش  
 داشتن - کیل آفتاب - گریان سوختن کباب - گردن خوشه - گرسنه ساز سیر آهنگ  
 - گردباد زعفران - گردباد هوش - گرداب زنگار - گرمیهای رسمی - گداز توبه -  
 گشاد ناله - گلستان زاده - گلشن خواب - گل بر سر دیوار خندیدن - گل واسوختن  
 - گل اشک - گیسوان آه - لاله چاشت - لب بر خنده چسبیدن - لب اندیشه - لباس  
 طعنه - لعل تر - لعبت یک مهره - لقمه عشق - لیموی زنج - ماه مهر آشام - متاع  
 گفتگو - محشر مقصود - مجمر فکر - مرغ سبک گام - مرغ روز پنهان - مرشد عقد -  
 مرغ نامه - مرغ بهانه - مستوفیان خاک - مصاف عشق - مغز خورشید - مغز معنی -  
 منقار بر ناله شکستن - موی بر تن آب شدن - میستان لب - می تردامنی - می اندیشه  
 کش - ناله روپ - نار لاله - ناف مهر - نبض سوختن - نثار شبنم - نخل پرهیزم -  
 نخل خاتم - نخل غمبندان - نزاکت گریختن - نرخ سلامت - نشاء میخانه دین -  
 نصاب شعله - نصاب عشوه - نمکدان عرب - نمکدان ملاحت - نمک چشم کردن -  
 نمکدان اجابت - نمکدان سخن - نور حیا - نوارا برگ دادن - نوشخند تلخ ابرو - نیم



منزل - نیم کشت - نیم ناز - وداع صبر - وسعت غفلت - هلال مطلع - هندوی عدم -  
 هنگامه آه - هوش بندان - یای الهی - یاقوت گر - یک ناله رقصیدن -

### ۶- تاثیر پذیری از سایر شاعران

مطلب دیگری که باید به آن اشاره کرد، پیروی از استاد سخن سرای گنجه است. زلالی در مثنوی محمود و ایاز-داستان خوابی را تعریف می کند که در محفلی از شاعران نظامی، جامی به او می دهد و این خود تأکیدی بر این نظر است که در بعضی جاها گوشه چشمی به نظامی دارد و مضمونهایی از او گرفته است.

یماننا برقعاً، مکی نقاباً / فلک پرواز جسم آفتاباً  
 (دیوان زلالی، مثنوی محمود و ایاز، ص ۲۵)

که یاد آور این بیت مخزن الاسرار نظامی گنجوی است. ای مدنی برقع مکی نقاب / سایه نشین چند بود آفتاب  
 (مخزن الاسرار، ص ۲)

بامقایسه بین عنوانهای شعری زلالی و نظامی می تواند شاهد این مدعا باشد مثلاً معراجنامه های زلالی از نظر ساخت و معنی شباهت زیادی به معراجنامه های نظامی در مخزن الاسرار دارد.

در آغاز مثنوی «حسن گلو سوز» شاعر چهار بیت ساخته است که به تقلید از مخزن الاسرار است. ظاهراً دیگر مقلدان حکیم گنجه نیز در این میدان طبع آزمایی کرده اند.

از دیگر شاعرانی که مورد نظر زلالی بوده اند، جلال الدین محمد مولوی است که «شعله دیدار» را به اقتضای مثنوی او سروده است:

کرد ایما کای جهان معنوی / جان جانداروی جان مثنوی  
 نامه ات را شمع نور و نار کن / تاج نامش «شعله دیدار» کن

(دیوان زلالی، ص ۹۵)

## ۷- زلالی خوانساری و سبک هندی

زالالی خوانساری شاعر مثنوی سرای سبک هندی است. زیاده روی او در آوردن ترکیبها و تعبیرهای دیریاب و تشبیه ها و استعاره های متخیل و مبهم و پیچیدن به وهمهای باریک و دور از ذهن، دیر فهمی بعضی ابیات او را موجب شده است، به گونه ای که با فرو رفتن در ژرفای دریای خیال، نتوانست کلام خود را به گونه ای بیان کند که به آسانی قابل درک و وافی به مقصود باشد.

ابوطالب خان تبریزی در خلاصه الافکار در باب نازک اندیشی و خیال بافی زلالی می نویسد: «او شاگرد میرزا جلال اسیر و استاد خیال بندان و نازک طبعان جهان است. نزاکت معانی اشعارش به حدی رسیده که گاهی چون نقطه دهان خو برویان در چشم ظاهرینان مشکوک می گردد.» (تذکره شعرای خوانسار، ص ۶۶)

زالالی خوانساری، از دید مستشرقان نیز مخفی نمانده است، از جمله یان ریپکا در تاریخ ادبیات خود در باره وی و ارتباط شعرش با سبک هندی چنین آورده است: «در گسترش بعدی سبک هندی بسیاری از شاعران مثنوی هایی تدوین کرده اند. این شعر به طور کلی در آن روزگار در حال پیشرفت بود و گه گاه در آن برای پروراندن موضوعی رمانتیک، از چنان ابداعاتی بهره می بردند که در دوران کلاسیک سابقه نداشت. عمده ترین ویژگی این آثار، سمبولیسم آنهاست. در این رابطه مولانا حکیم زلالی خوانساری (در گذشته به سال ۱۶۱۵م) از همه برتر به شمار می آید. او «ملک الشعرا» عباس یکم بود. این شاعر مولف مثنوی «سبعة سیاره» و شهرت وی بیشتر مدیون یکی از آنها به نام «محمود وایاز» است که ۲۲ سال پایان زندگیش را صرف آن کرد. این اثر، مثنوی فخرالدین علی صفی (در گذشت به سال ۱۵۳۲-۳۳ میلادی) پسر حسین واعظ معروف و همچنین آثار تا زمان صائب و پس از او را تحت الشعاع قرار داد.»

(یان ریپکا و همکاران، تاریخ ادبیات ایران، ص ۴۳۷)



## نتیجه

زلالی خوانساری شاعر مشهور اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم در سرودن شعر به ویژه مثنوی از جایگاه ویژه ای در ادب پارسی برخوردار است. شاعری است نوآور که کلمات نادر و ترکیبات تازه و فراوانی دارد. تصویرسازیهای وی، زیبایی خاصی به شعرش بخشیده است. کلام وی از چاشنی عرفان و معنویت عاری نیست.

در بیان سخن، عفت کلام را رعایت نموده است و دل بستگی و احترام او به پیشوایان دین در سخن وی آشکار است. ترکیب سازی وی، سبکی نو ایجاد نموده است به گونه ای که ترکیبات تازه او گاهی نامفهوم جلوه نموده که نیازمند تفسیر و توجیه است. توجه به جامعه و استفاده از امثال و حکم رایج در سخن او، کلامش را گیراتر جلوه داده، به طوریکه او را می توان موجد نوعی شعر با بهره گیری از فرهنگ عامه دانست.

کاربرد صور خیال، صنایع بدیعی، تلمیح، تشخیص، ترکیبات زیبا و منحصر به فرد به کلام وی ویژگی خاصی بخشیده است. از سخن وی برمی آید که به شعر بزرگان سخن فارسی توجه داشته است، تأثیر پذیری او از نظامی گنجوی و مولوی به وضوح آشکار است. ویژگیهای سبکی و کاربرد مضامین نغز، شعر زلالی خوانساری را به مرز سبک هندی نزدیک کرده است، به طوریکه او را در زمان خود می توان سردمدار این سبک دانست. دقت نظر، باریک اندیشی، مضمون سازی، دقت فکر، نوآوری، جامعه نگری، مهارت و چیرگی در نظم سخن و مثنوی سرائی از دیگر ویژگیهای بارز وی به شمار می رود.

## منابع و مأخذ

- ۱- آذر بیگدلی، لطف علی بیگ بن آقاخان. شاملو (آذر). (۱۳۴۰). آتشکده آذر. به کوشش حسن سادات ناصری. امیرکبیر.
- ۲- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین. (بی‌تا). عرفات العاشقین، نسخه عکسی شماره (۵۳۲۴). تهران: کتابخانه ملک.
- ۳- بخشی، یوسف. (۱۳۳۶). تذکره شعرای خوانسار. انتشارات بوذرجمهری. تهران: چاپ میرپور.
- ۴- رازی، امین احمد. (بی‌تا). هفت اقلیم. به تصحیح جواد فاضل. تهران: کتاب فروشی علی اکبر علمی.
- ۵- زلالی خوانساری، دیوان، نسخه خطی به شماره ۶۶۱-۶- مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ۶- صفا، ذبیح... (۱۳۶۴). تاریخ ادبیات در ایران. چاپ اول. جلد پنجم. تهران: انتشارات فردوسی.
- ۷- فلسفی، نصر... (بی‌تا). زندگانی شاه عباس اول. چاپ دوم. ج ۲. تهران: انتشارات علمی.
- ۸- گوتابوی، محمد قدرت... (۱۳۳۰). نتایج الافکار. ناشر اردشیر بن شاهی. هندوستان. دی ماه.
- ۹- مولوی، احمد علی احمد. (۱۹۶۵م). هفت آسمان. چاپ دوم. تهران: انتشارات کتابفروشی اسدی.
- ۱۰- نخجوانی، حاج حسین. (۱۳۴۳). موادالتواریخ. تهران: کتابفروشی ادبیه.



۱۱- نصر آبادی، میرزا محمد طاهر. (۱۳۱۷). تذکره نصر آبادی. تصحیح وحید دستگردی.

کتابفروشی فروغی. طبیعت در آثار جبران خلیل جبران (علمی - پژوهشی)

۱۲- نظامی گنجوی. (مخزن الاسرار). تصحیح وحید دستگردی. تهران: مؤسسه

مطبوعاتی علمی. چاپ سوم. ۱۳۴۳

۱۳- واله داغستانی، علیقلی خان. (بی تا). ریاض الشعراء. نسخه خطی شماره ۴۳۰۱. تهران

کتابخانه ملک.

۱۴- هدایت، محمود. (۱۳۵۳). گلزار جاویدان. جلد اول. تهران: چاپخانه زیبا.

۱۵- یان ریپکا، اوتا کاکا، کلیما، ایرژی بچکا. (۱۳۷۰). ترجمه کیخسرو کشاورزی انتشارات

کوتمبرگ و جاویدان خرد. چاپ اول.